

۱ - ارزش کار شرافتمندانه را از بین می برد .
 ۲ - نوعی بی اعتنایی به قوانین و مقرراتی است که وجود آنها برای حفظ و تداوم یک نظام ضروری هستند .

۳ - ارزش کار و تلاش شرافتمندانه را از بین می برد و روحیه آنها را که می خواهند صادقانه کار کنند تضعیف میکند .

۴ - تقلب اگر مکرر گردد " تدریجا " قبح آن از بین می رود و بنظر امری عادی می آید که برای حیات جامعه خطرناک است .

۵ - تقلب در خانه و مدرسه تدریجا " ریشه دار شده و توسعه می یابد و آن را به کشور و جامعه می کشاند و دود آن بچشم همه افراد خواهد رفت .

۶ - تقلب دلیل و نشانه مسئولیت شناسی و یا فرار از مسئولیت است که در چنان صورتی امیدی به حیات شرافتمندانه او نخواهد بود .

۷ - تقلب برای بدست آوردن چیزی از هیچ است و در آن صورت پیداست چه کسانی واجد خصایصی میشوند که صلاحیت آن را ندارند .

۸ - وبالاخره تقلب در درس سبب میشود که افرادی خام و ناپخته در سر پستهای قرارگیرند که صلاحیت آن را ندارند و در نتیجه وضع جامعه ای را پریشان سازند .

تقلب کودکان

زیان و خطر تقلب

تقلب کودکان امری چندان ساده نیست که با سهل انگاری بتوان آن را تلقی کرد . زیانها و خطرات متعددی آن را تهدید می کند که ذکر و بررسی همه جانبه آن در این مختصر امکان پذیر نیست . آنچه که در این قسمت می توان ذکر کرد این است که تقلب :

میتوان کاری کرد که دست از رفتار ناپسند خود بردارند. ذکر این نکته مایه خرسندی والدین و مربیان است که بهر مقدار سن کودکان کمتر باشد امکان اصلاح و هم پیشگیری برای آنان مسرتر خواهد بود.

تقلب در کودکان اگر از سنین کمتر از ۱۰ باشد جای ناراحتی چندانی نیست، نگرانی برای مواردی است که سن شان از این مرز بالاتر رود. اصولاً "رابطه‌ای است معکوس بین سن و اصلاح پذیری. هر قدر که میزان سن پائین تر باشد اصلاح مسرتر است و برعکس.

خوشبختانه زمینه اصلاح پذیری هم در کودکان وجود دارد و کمند کودگانی که از عمل خود راضی و از رفتار شرافتمندانه روی گردان باشند. اگر والدین و مربیان بتوانند راه و رسم حیات درست و انسانی را به کودکان بیاموزند و آنها را از تقلب بی‌نیاز کنند بعید است که با آن حال کودکان سر از تقلب درآورند.

برای پیشگیری

درتربیت کودکان از تقلب ها و حیسات خائنانه می توان زمینه سازی هائی از قبیل داشت و موجبات آن را در کودکان بوجود آورد که مادیلاً " به نمونه هائی از آن اشاره خواهیم داشت :

۱ - آموزش ضوابط و مقررات : این نخستین کام در تربیت کودک است که او بداند چه کاری صواب و چه کاری ناصواب است. همانگونه که ذکر شد برخی از کودکان همین مسأله بنظر بسیار ساده را نمی دانند و تن به کاری می دهند که برای آنها امری عادی و از نظر ضوابط و مقررات زندگی از دید ما نارواست. اصل بر این است کودک آنچه را که انجام می دهد بداند

ضرورت پیشگیری و درمان

براین اساس و بخاطر نکاتی که ذکر شد و هم بدان خاطر که طرف بحث ما کودکان هستند ضروری است به پیشگیری و درمان در این رابطه پرداخته شود. چه زشت است کودکی از همان آغاز زندگی بنای حیاتش را بر خیانت و تقلب و دورویی قرار دهد و برای یک عمر سر از فساد درآورد.

میدانیم که اگر روح تقلب و دزدی در درون کسی استوار گردد دیگر حاضر به کار شرافتمندانه نخواهد شد و اصلاح آن در بزرگی بادیوارهای بسیار همراه خواهد بود. در بررسیهایی که در باره جنایتکاران بعمل آمده است این نتیجه حاصل شده است که بسیاری از آنها دوران کودکی بسیار بدی را گذرانده اند و ماسه های اصلی شرارت و ناسازگاری شان از همان دوران و زمان است. زمانی که افراد بتوانند چیزی را مفت و مجانی بدست آورند حاضر نخواهند شد بعدها از طرق شرافتمندانه در راه تحصیل همان شیئی بکوشند. ضمن اینکه در موارد گرفتاریهای ناشی از تقلب ناگزیر میشوند مالیات همه کجروی های تا آن تاریخ را به اضعاف مضاعف بپردازند.

امکان پیشگیری و درمان

خوشبختانه امکان اصلاح چنین کجروی وهم پیشگیری از آن وجود دارد و والدین و مربیان میتوانند در این رابطه اقداماتی مؤثر داشته باشند. با شرایطی که ذکر خواهیم کرد میتوان به پیشگیری پرداخت بگونه ای که کودک هوس تقلب نکند و اندیشه آن را در سر نپروراند. و هم برای آنها که گرفتار تقلب و نیرنگند

صحيح و شايسته به کودکان تعليم کنند وهم راه فراگيري صحيح را به او بياموزند. زيرا يکي ديگر از دشواري هاي کارمحصلان اين است که نبي دانند چگونه بايد درس خواند و چگونه بايد مطلبي را در ذهن گنجانند. بهمين نظر تلاش و کوشش لازم را مي کنند ولي توفيقی چندان بدست نمی آورند.

۶ - تقويت کودکان: گاهی کودکان عقب مانده اي درسي دارند که بعللي گوناگون پديد آمده است. مثلاً "کودکي بيمار شده و از درس عقب مانده است و فعلاً" احتياج دارد که مورد تقويت قرارگيرد. اگر پدران و مادران و حتي معلمان در اين رابطه اقدامات مهم و اساسي انجام دهند جای بحثي نيست. دشواري بهنگامي است که کودک در برابر اين اوضاع همچنان بماند و درعين حال اين خواسته و توقع هم موجود باشد که او موفقيتي بدست آورد.



وازقيح و حسن آن آگاهی داشته باشد.

۲ - القاء ارزش کارشرافتمندانه: دومين گام اين است که درطول حيات کودکان ارزش کارشرافتمندانه و نواءم باصدق و صفا را به کودکان القاء کنیم. نا آنها جدا "علاقتمند به آن شوند. درضمن داستانها و ارائه مدل به آنها بفهمانيم که تحمل رنج و ناملايمات برای کاری شرافتمندانه با ارزش تر از محصولي است که سه خائنانه تحصيل شده باشد. و چنين فکري از سالهاي سال بايد در کودکان القاء شود.

۳ - تضعيف خيانت و تقلب: همچنين همزمان و مرادف با آن بايد راههاي خيانت و تقلب را در کودکان تضعيف کرد و حتي موفقيت هاي ناشي از آن را بسيار پست و کوچک شمرد.

معلمان و مربيان اگر در مشق کودک و تکليف او، با کاردستي هائي که آنها مي سازند بويي از تقلب و خيانت شنیده اند بايد آن را به ديده بي اعتنائی ننگرند و عملاً " نشان دهند که اين کاری پست و بي ارزش است. داستانها و افسانه هاي آموزنده در اين رابطه هم مي توانند نقش سازنده اي داشته باشند.

۴ - ايجاد ملاحظات: والدين و مربيان بايد بين خود و کودک ملاحظاتي پديد آورند که کودک از تن دادن به تقلب احساس شرم کند و حاضر نشود بهيج بهائي تن به چنان کاری دهد. حتي آنکه که ديگران در اين رابطه وسوسه هائي برای او داشتند با کمال ميل آن را طرد کند و شاءن خود را برتر از آن بداند که به تقلبي از ميان برود.

۵ - آموزش خوب: اين واقعيتي است که بايد متعرض آن نشد و آن اينکه تدریس خوب و همه فهم ديگر جائي برای تقلب احدي باقسي نمی گذارد. معلمان مؤلفند هم درس را بنحوی

کند یا درصدد حفظ آبروست؟ و ...
 - غرض این است علل و انگیزه های این امر
 را بشناسیم و در رابطه با هر مسأله موضعی خاص
 اتخاذ کنیم .

۲ - دادن ظرفیت : این هم قدم بعدی است
 که به کودک ظرفیت بدھیم آنچنان که قادر به
 تحمل مسائل و ناکامی ها و محرومیت ها باشد .
 کودک باید این توان را داشته باشد که اگر
 دچار شکست و محرومیتی شد بتواند آن را
 متحمل و پدیدرشد؛ شآن خود را برتر از
 خیانت و تقلب بداند حاضر شود که نمره صفر
 بگیرد و تقلب نکند .

۳ - کاستن توقعات : والدین و مربیان باید
 سطح توقع خود را از فرزندان بکاهند تا کودک
 مجبور نشود تن به تقلب و خیانت دهد . به
 کودک تفهیم کنیم بهمانگونه که هست او را
 پذیرائیم پیشرفته یا عقب مانده؟ با هوش یا
 کم هوش؟ با نمره قبولی خوب یا بد؟ البته
 سعی براین باشد که او وظیفه و تلاش خود را
 بمران متعارف انجام بدهد ، خواه موفقیت
 بدست بیاورد و خواه نیاورد .

۴ - شناخت ظرفیت ذهنی : این هم
 مسأله ای است که دربابیم ظرفیت ذهنی
 کودک تا چه حد است آیا می تواند پیشرفت
 کند یا نه؟ آیا آنچه را که ما از او می خواهیم
 می تواند انجام بدهد و به آن برسد یا نه ؟
 می دانیم که همه کودکان از لحاظ ظرفیت
 ذهنی در حدی نیستند که بتوانند در تمام
 مراحل تحصیلی با موفقیت به پیش روند .
 برخی از آنها ناکزیرند دوره یک کلاس را در
 دو سال طی کنند وعده دیگر هم هر سال

۷ - رفع موانع : وبالاخره عوامل متعددی است
 که در حفظ کودک از خطرات تقلب و خیانت
 مؤثرند و پدران و مادران باید آنها را در نظر
 گیرند و موانعی که در سر راه رشد آنها وجود
 دارد از میان بردارند . کودک به شخصه نیازی به
 خلافتکاری ندارد و آنچه در این زمینه وجود
 دارد بحقیقت از سوی والدین و مربیان به آنها
 تحمیل شده است . و هم کودکان با فطرتی
 پاک و صادق بدنیا می آیند و خیانت و تقلب
 را از دیگران می آموزند و والدین و مربیان در
 این رابطه باید هشیار باشند .

در طریق جلوگیری از تقلب

در طریق جلوگیری از تقلب کودکان اصول و
 ضوابطی باید مورد نظر باشند که اهم آنها
 بدینقرارند :

۱ - شناخت علتها : این نخستین کام در
 اصلاح کودکان و تقلب آنهاست که دربابیم چه
 انگیزه و عللی سبب تقلب کودکان می شوند و
 چرا کودکان دست از کار شرافتمندانه برمی -
 دارند . در رابطه با تقلب ها باید سعی کرد
 برای این سئوالات پاسخی تهیه شود :
 - او در دزدی و خیانت خود خواستار چه
 چیزی است .

او در تقلب خود چه چیزی را می خواهد بیان
 کند؟ رسیدن به هدفی چون موفقیت و کسب
 مقام؟ یا انتقام گیری از معلم و دیگران؟
 - این امر نشأت گرفته از اندیشه شخصی
 است و یا آموخته و مکتوب از دیگران .

- آیا مسأله تقلب او ناشی از معلم است
 یا خانواده یا خود کودک؟

- آیا می خواهد رشد و نفوق خود را اثبات

*** بقیه در صفحه ۶۵

راشی تیسیم یا نرمی استخوان

امتحان می کنند حرکت دادن کودک بهیچ نحوی تولید درد و فریاد نمی کند. صفت دوم اینکه علائم راشی تیسیم معمولا فرینسد است و درهر دو طرف بدن مشهود خواهد شد. البته این عوارض برحسب سنی که عامل راشی تیسیم روی استخوانهای بحد تاثیر کرده



کمبود ویتامین D در اطفال موجب بیماری

راشی تیسیم می شود که در آن استخوانهای بدن در اثر کمبود کلسیم درست رشد نکرده و ناهنجار می شوند. در تصویر فوق هر سه کودک ۶ ساله هستند کودکی که در وسط ایستاده است سالم و در کودک دیگر مبعلا به راشی تیسیم هستند.

راشی تیسیم عبارتست از نقص و خللی که هنگام رشد در ساختمان استخوانهای کودکان پیدامی گردد. ساختمان عادی سنج استخوان وقتی منحرف و معیوب شد طبقا قطعات استخوان بدن سست و بی استقامت می گردند و ایس بیماری را راشی تیسیم می گویند. و برحسب تعریف این عارضه متعلق به ایام رشد کودکست و خصوصا راشی تیسیم مرض دوره اول کودکی است. بعداز سال دوم راشی تیسیم بیماری نادرست چه از طرفی کودک در اثر بازی و دویدگی قهرا خودرا بد هوای آزاد و نور و آفتاب میرساند و از جانب دیگر کم و بیش تغذیه متنوع کشته بویژه زرده تخم مرغ جبران کمبود ویتامین را می نماید. البته لازم به تذکر است که چنین اختلالاتی را بعدها در حوالی بلوغ می توان دید.

باید دانست که شیر خواران نارس و دولو بیشتر در معرض ابتلا به این بیماری هستند. گفتیم که در اثر راشی تیسیم استخوانهاست کشته بسهولت دچار تغییر شکل می گردند و اولین صفتی را که برای این عوارض بسع شما خوانندگان عزیز مجله میرسانیم بی درد بودن اختلالات استخوان است. عضوظل مکر است دچار انحنای شدید شده باشد ولی هیچکس در دناک بوده، هم چنین وقتی شما او را

۲ - دنده های این اطفال نیز دچار عوارض بالا می گردند. خصوصا " درمحل اتصال دنده به غضروف برجستگی مشاهده می شود که گاهی خیلی واضح و درشت و زمانی کوچکتر و بقدر یکدانه تسبیح و برخی از اوقات از برجستگی عادی که فقط نزد بچه های سالم محسوس است به زحمت تمیز داده می شود.

ولی بهر حال در سطح داخلی دنده ها صریحا نمایانست. تغییر شکل دنده بسیار شایع است و معمولا قاعده قفسه سینه فراخ گشته در ناحیه ای که زیر پستانها واقع است مختصر تنگی مشهود می شود. در نزد دسته دیگر از مبتلایان، این علائم در ظرفی دوشیار پیدامی شوند. و در نتیجه از پهنای قفسه سینه کم شده ولی فاصله بین قفسه سینه سنون فقرات زیادتر می گردد.

۳ - دردست و پای کودکان، اثر راشی تیسیم بدو نوع مختلف بروز می کند. یکی تورم اپی فیز استخوانها، دیگر افزایش انحنای استخوانها که نرمی نسوج استخوان بیش از معمول می باشد و باین نحو ساق های کودک بسیار خمیده گشته آنها را به پراتنز شبیه می کنند.

علاوه بر این عوارض چون ساختمان استخوانی این کودکان معیوبست به سهولت شکستگی در آنها مشهود می گردد. همچنین اختلال استخوانهای لگن خاصره دختران در موقع زائیدن باید مورد توجه پزشک باشد و زنی که در کودکی به راشی تیسیم مبتلا بوده تغییرات شکلی را که دیدیم در اعضایش موجود است. گاهی دچار تنگی لگن خاصره می باشد و شما می دانید که در برخی از موارد رشد جمیع ابعاد لگن خاصره دچار وقفه گشته است. علائم لطفا " ورق بزنید



است تغییر می کنند و معمولا استخوانی بیشتر در معرض این بیماری است که در آن ایام قسمت اعظم رشد خود را انجام می دهد.

۱ - جمجمه - در ماههای اول ظهور بیماری بیشتر علائم بیماری را در جمجمه باید جستجو کرد. چه در هیچ حالی حجم مغز باین سرعت رشد نمی کند و طبیعا پیدایش راشی تیسیم روی استخوانهای مریض تغییرات زیر را سهولت وارد خواهد ساخت. اولین علامت راشی تیسیم اینست که استخوانهای سردیر بهم جوش خورده (سوتور) بازمی ماند. بخصوص جان دانه در موعد عادی مسدود نگشته بعد از ماه یازدهم نرم و گشاده است و این نشانه یکی از آثار مهم راشی تیسیم شیرخوار است. (هرگاه طفل مبتلا به هیدرو سفالی نباشد) این علائم در روی استخوانهای سر واضحست. استخوان بندی دچار تعویق گشته و در نتیجه در بعضی از نقاط جمجمه نرم می گردد و معمولا ناحیه آکسی پی تال (استخوان پس سری) یا روی استخوانهای گیج گاهی نرم است.

بعلاوه جمجمه این کودکان از آنجا که بسیار نرم است سهولت تغییر شکل می دهد و چنین بیمارانیرا اگر مدتی مدید در بستر گذاشته به وضع سر آنها روی بالش نوجهی نکنند سرعت آن طرف سر مسطح گشته جمجمه کودک شکل مخصوص بخود می گیرد. آثار راشی تیسیم در استخوانهای صورت نیز گاهی مشهود می شود. فک بالای طفل، بخصوص دچار این نقص ساختمان می گردد که بعضی آنها عارضهای مادر زاد دانستهاند و البته این اختلالات در بسیاری از امراض استخوانی شایع در کودکان دیده می شوند.



اشکال عمل بلع ، زیادی استفراغ و فرو بردن اخلاط آلوده به میکروب های مختلف طبیعی است که در ظهور اسهال و ایجاد وقفه در رشد و نمو این بیماران بسیار مؤثر است . تورم نسوج لنفاوی حلق و بینی ، همراه با بزرگ شدن غدد کردن طفلیست و وقتی شما انکشان خود را روی کردن این کودکان می گذارید غدد مریض را مانند دانه های نسیج سهولت حس می نمایند . بعلاوه طحال دچار عظم و تورم است ولی باید دانست که لمس کردن قطب تحتانی آن همیشه بلحاظ بزرگی آن نیست بلکه فراج شدن دیده ها و محکم نبودن عضلات شکم باعث سقوط طحال می گردد . بعکس قبل از ماه ششم و هفتم بزرگ بودن طحال اهمیت مخصوص دارد و پزشک را باید متوجه تاءثیر سیفیلیس در پیدایش راشی تیسیم کودک بنماید . در اثر این بیماری دندانها دیرتر از معمول روئیده جنس خود دندانها معیوب بوده ، برودی

فوق الذکر که در استخوانها مشهود می گردد همیشه همراه عوارض دیگر است که آنهارا نیز شما باید بشناسید . از همه مهمتر نرمی است که تقریبا در تمام اشکال راشی تیسیم موجود می باشد و در نتیجه سستی عضلات بندهای طفل دچار تغییر و ضعیفی کد گاهی بسیار مزاحم است می گردد . تغییرات ایجاد شده در رانو ، در مفصلهای پا و در ستون فقرات برای آتیه طفل منع نکرانی مهمی است و بسیاری از این کودکان خیلی دیر با اصطلاح راه می افتند و اشکال خفیف راشی - تیسیم را گاهی با همین علامت که نشانه شلی عضلات کودکست باید شناخت . پی آمد دیگر این نقیصه شل شدن و بزرگ شدن ساختمان نسوج عضلانی شکم است که طبعاً بحسرات دودی روده ها کمک ننموده موجب اختلال عمل هضم می گردد . اختلالات هاضمه این کودکان تنها به این دلیل نیست و راشی تیسیم معمولاً نزد خردسالانی دیده می شود که هفتد ها و ماهها سوءهضمی مزمن با به اسهالی طولانی دچار بوده اند . روش غذائی این اطفال مطابق اصول صحیح نبوده است یا در نوع تنذیه بچه سهل انگاری شده است . گاه گاه پریدکی رنگ شلی کوشتهایا عرق نمودن فراوان طفل مشاهده می گردد ، راجع به کم خونی و رنگ پریدکی رخسار این اطفال که تقریبا همیشه توام باراشی تیسیم می باشد بیش از این صحبت نمی کنم بعکس باید با اهمیت تورم غده لنفاوی اشاره کنم . نزد این اطفال عفونت مزمن و تقریبا دائم لوزتین عادیست و نیز پیوسته مزاحم می باشد . عواقب این عوارض را شما می دانید و اطلاع دارید که ناچه اندازه برای سلامت ورشد شیرخواران مضر است . گرفتگی بینی

می‌گردد و این از مهمترین علائم این بیماریست اگر تشخیص خود مرض چنانکه ملاحظه می‌کنید آسانست شناختن علت حقیقی راشی تبسم هموز مورد مطالعه و بحث است . دانشمندان پیشین این عوارض را مربوط به محروم بودن کودک از شیرمادر می‌دانستند ولی امروزه با رعایت بهداشت و با استفاده از شیر گاو نیز می‌توان کودگانی پرورش داد که به هیچ وجه ضایعات راشی تبسم را نداشته باشند و بعکس دستهای از شیر مادر خواران را میتوان مشاهده نمود که علائم استخوانی این بیماری را دارند و باین لحاظ علت مرض را در تاء شیر عوامل دیگر باید یافت .

بعضی از پزشکان راشی تبسم را باز مرض غذائی می‌دانند و اختلالات هاضمه ماههای اول یا روش تغذیه ناقص و معیوب را علت آن می‌پندارند . بهرحال این قضیه هنوز مورد مطالعه و بحث است و شاید برای ما جزئیات این مبحث ضروری نباشد ولی باید اضافه نمود که پزشکان آمریکائی موفق شده‌اند که طرز تغذیه حیوان آزمایشگاهی (موش سفید) را طوری تنظیم کنند که راشی تبسم پیدا شود . بچنین حیوانی جمیع مواد غذائی را میدهند مگر املاح فسفر و برای بهبود حال این حیوان به استعمال داروهای مختلف پرداختند تا اثر و ارزش آنها را در معالجه راشی تبسم معین نمایند .

اولاً " با رژیم مزبور اگر حیوان را در هوای آزاد و روشن نگاهدارند راشی تبسم یا مطلقاً " برور نمی‌کند یا بسیار خفیف و سهل‌العلاج خواهد بود و باین نحو با اهمیت اشعه آفتاب

عارضه معروف به کرم خوردگی در آن بروز می‌کند . ولی بعدا دندان شیری کمتر عیب می‌کند خصوصاً سستی و خرابی در دندانهای بعدی مشاهده خواهد شد . راست است که علل کرم خوردگی دندانها هنوز روشن نیست ولی بلاشک وینامین " د " از بهترین و مؤثرترین عوامل جلوگیری آن شناخته شده است . بالاخره سلسله اعصاب بیمار خردسال باید مورد بازرسی و دقت شما قرار بگیرد . کچره راشی تبسم مرضی عفونی نیست ولسی بسیاری از این اطفال می‌لابه نب می‌باشند که مربوط به نورم غدد لفاوی و اختلالات هاضمه یا عوارض دیگر است که به راشی تبسم مزید شده ممکن است خطر حیاتی نیز داشته باشد .

از اشکال مختلفه راشی تبسم به ذکر (راشی تبسم سیفلیتیک) قناعت می‌نمایم . کودک که در چهار ماه اول زندگی دچار راشی تبسم می‌شود و بالنیجه روی جمجمه عوارض مهم فوق ایجاد می‌شود ، تقریباً " بطور حتم مبتلا به کوفت مادرزاد است . خصوصاً " وقتی که کسالت توام با کم خونی و بزرگ شدن طحال باشد . از طرف دیگر میدانیم که کوفت موجد موالید نارس است و دانستیم که چنین نوزادانی شدیداً " در معرض این بیماری می‌باشند . تشخیص راشی تبسم معمولاً " ساده و سهل است .

در بعضی از اشکال خفیف برداشن عکس میج دست کودک ، عوارض استخوانی را مقابل دیدگان شما مجسم نموده حقیقت مرض را روشن می‌سازد . روی کلیشه وسیع شدن انتهای استخوانها و تاء خیر پیدایش نقاط استخوان - بندی ساق راست و آرنج بسهولت مشاهده می‌گردد . بالاخره خط استخوان سازی منحنی

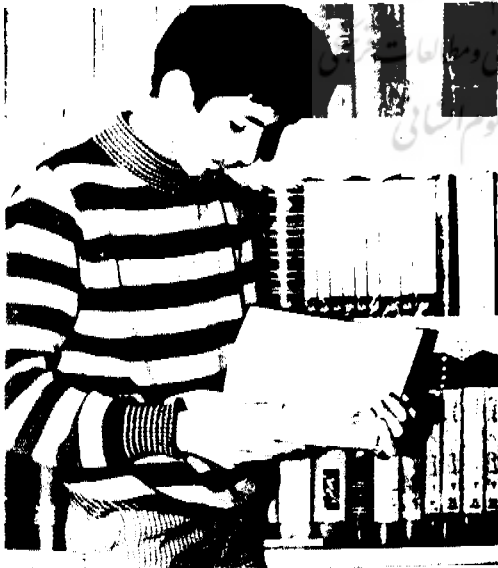
غیره می بردارد. افکار و عقاید را باهم مقایسه می کند، تا به عقیده‌ای تازه دست یابد. عقیده‌ای که او را از افکار و آرایه‌ای که کور کورانه از خانواده و محیط گرفته است برهاند، و این عامل مهم استقلال طلبی اوست که دوست دارد از طرف والدین و پیرامونیان از احترامی متقابل برخوردار باشد.

بطوری که اشاره شد، در این دوره که می‌نوان آنرا مرحله " خود نمایی " فرد نامید نوجوان هنوز در تثبیت ارزشهای تشکیل دهنده شخصیت به تصمیم نهایی نرسیده است. لذا مدرسه که در تنظیم تجارب دانش آموزی فعالیتش بس خطیر دارد، باید بدون درهم ریختن شخصیت نوجوان، در پی انسجام ارزشهای متشکله آن برآید و او را در دست یافتن به ارزشهایی باکیفیت انسانی یاری کند. چه در این دوره که زمان شکل گیری حس استقلال فرارسیده است، ساز و برگ لازم زندگی، بنحوی که فرد " خود راهبر " بشود باید فراهم گردد. بدین منظور ایجاد فرصتهای مناسب برای

تحت افراد

۳- دانش آموز دوره دوم دبیرستان

دانش آموز این دوره، در مرحله دیگری از سن نوجوانی بسر می برد. او به اظهار وجود می پردازد. سعی دارد در این مرحله از سن شخصیت جوانی از خود نشان دهد. بدین جهت سعی می کند با دلیل و برهان مسائل خود را حل کند و برخلاف اوان نوجوانی در برآورد تمنیات خود به زور متوسل نشود. شخصیت او از ارزشهای انسجام نیافته‌ای شکل گرفته است. اما او قادر به درک ارزشهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... است. غالبا " با توجیه ارزشها در وجود خویش، با خود به نزاع بر می خیزد. نقشه‌هایی می کشد هدفهای ایده‌آلی تجسم می کند و جهت رسیدن به آنها جبهه می گیرد. او معترضیه مسائل پیرامونی خود است. از این رو در پدیده‌های مقررات و قوانین سرسختی نشان می دهد. نوجوان در دستیابی به حقایقی که برایش پوشیده مانده است کوشش می کند. به خواندن مطالب مختلف علمی، فلسفی، اجتماعی و





نوجوان از اهم وظایف اولیا؛ مدرسه است .

عدم آگاهی از رفتارهای نوجوان در این دوره از سن موجبات عدم تفاهم بین دانش‌آموز و معلمان را فراهم می‌کند. بطوری‌که معلمان جوان را بدبینه‌گیری دربرابر دانش‌آموز بر می‌انگیزد. بدین جهت راهنمایی معلمان بوسیله مدیریت صحیح یک آموزشگاه، جدید مدیریت مدرسه در فراهم ساختن تسهیلات خود راهبری دانش‌آموزان، خود از وظائف عمده تربیتی مدیریت مدرسه است .

هدف از آنچه که مشروح افتاد، این است که مسئولان تربیتی در مقابل رفتار ناشایست نوجوان گناه بیابند، بلکه با توجه به نیاز سنی او ضمن نیکه برراه اصلاح رفتاری ناشایست باتدبیر به مقابله برخاسته و بدین طریق در راه رسیدن به تحکیم حسی استقلال به نوجوان کمک نمایند. واضح است که لازمه بکارگیری روش اصلاح رفتارهای ناشایست نوجوان، تربیت خاصی را برای مدیریت مدرسه‌ترسیم می‌کند. روی این اصل مدیریت آموزشی، به عنوان یک رشته مهم و لازم جهت سازمانهای آموزش و پرورش قلمداد شده و از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد.

حالات دانش‌آموز دوره دوم دبیرستان یا سالهای سنین دوره‌های تحصیلی قبل کلاسها متفاوت است. او در این مرحله جستار «Mutation» سعی دارد با خصوصیات جدیدی که کاملاً با خصایص گذشته اش متفاوت است تجلی کند. در این مرحله نوجوان علاوه بر مشکلات جسمانی که رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، با مشکلات درسی و تکراری از آینده خویش نیز روبرو است. آینده‌ای که می‌تواند از تحصیل او

جدا باشد. بدین علت این دوره آینده‌ساز که نوجوان بدان واقف است، با نگرانیهای همراه است که نوجوان را به خودستغول می‌دارد. زندگی تحصیلی که نوجوان را با همکلاس و معلمان مرتبط می‌سازد، نوجوان دوست دارد، در این ارتباط موفق شود. لذا سعی می‌کند از راههای مختلف خود را در دل همکلاس و معلمان جا کند. چه ساعتی موفقیت وی در این راه او را از درس خواندن و علاقه بد تحصیل باز می‌دارد. بدین جهت عوامل عاطفی دانش‌آموز نوجوان با موفقیت یا عدم موفقیت او ارتباط پیدا می‌کند، که می‌تواند با ریسر کامیابی او در زندگی آینده‌اش بیاید.

بعد از انکسرش بد دوست داشتن شدن انکسرش شعلی در دانش‌آموز دبیرستان بوجود می‌آید او به فکر می‌افتد که در آینده چه کار

ارضا می شود. از اینکه می بیند افرادی به فکر او هستند به تحصیل علاقه مند می شود و برای سوال می کیسم خود پاسخ می یابد.

با وجود بر آنچه که شروع افتاد می توان گفت که پس از دوره ابتدایی، دانش آموز دارای شرایط خاص سنی در زندگی تحصیلی است. شرایط محیط دبیرستان در او تاثیر می گذارد. و به آنچه که در پیرامونش می گذرد معطوف می شود. ولی نمی توان این تاثیرات را به طور یکسان برای همگان تعمیم داد. لذا در دبیرستان گروهی دانش آموز یافت می شود که وضعیت حاکم در مدرسه را پذیرفته و به آنچه که در آنجا می گذرد رضایت دارد. گروهی دیگر

می تواند بکند. نقش مدرسه در ترویج دانش - آموز در رابطه با جامعه عمل یوسانیدن به انگیزه، موفقیت او در تحصیل کاملاً روشن است. ولی سهم اولیاء مدرسه در راهنمایی دانش آموز به آنچه که بعد از تحصیلات متوسطه انجام خواهد داد، در درجه اول اهمیت قرار دارد. چه بسیارند دانش آموزانی که پس از خروج از دبیرستان به دبایی وارد می شوند که برای آنها ناسازگار است و عایدی از اندوخته های مدرسه ای نصیب آنها نمی شود. پس وظیفه مدیریت در این مورد آشکار گردیده و کمک نمودن به آینده نگریم دانش آموز در سرلوحه وظایفشان قرار می گیرد.

نوجوان در سالهای آخر تحصیلات متوسطه دچار وهم و ابهام است. او با مواجه شدن با سوال می کیسم؟ یعنی چه نقش اجتماعی باید داشته باشم، در درون خود با انقلاب شخصیتی دست به گریبان است. عده ای از نوجوانان در این سن، از اینکه برای دبایی به خواستند های خود چه راهی باید انتخاب کنند سردرگمند. نوجوان خواستار آینده سازی است. میل به کار دارد. ولی کدام کار؟ چه بسا امکان دارد که ادامه تحصیل در دانشگاه برایش کاری جلوه کند. در این میان اولیاء مدرسه وظیفه ای در روشنگری هدف تحصیلات عالی برای نوجوان خواهند داشت، تا او جدیدی کافی در این راه بعمل آورد. مشروط بر اینکه، سعی راه هدف قرار ندهد، بلکه در راه رسیدن به هدف کوشش برایش وسیله باشد. یا ممکن است با توجه به استعداد نوجوان، او را به سوی هدف مثبتی دیگر سوق دهند. بدین طریق میل دوست داشته شدن نیز در نوجوان



ناراضی از وضعیت محیطی مدرسه است . آن را منطبق بر نقش موسسات آموزشی نمی داند .

به طور مثال برای دانش آموز سالهای آخر دبیرستان این سئوال مطرح می شود که آنچه می آموزد به چه درد خواهد خورد؟ هدف از آموزش ریاضیات ، فیزیک و شناخت فلان شاعر و یا آگاهی از عملکرد حکمرانان گذشته چیست؟ بدین جهت او از گذران اوقات خود جهت آموختن آنچه که به نظرش بی ارزش است رنج می برد . او خواهان آموزشی است که مربوط به وقایع روز سه ، و مورد عمل قرار گرفته باشد . آموخته ها بلافاصله بعد از آموزش باشد . تا بتواند احتیاجات روزمره خود را شخصاً مرتفع کند و پس از این دوره که حس استقلال در او شکل می گیرد در حدت بسند بارار کار سدگارش باشد . بالطبع آموزشهای محدود به کتب و معلم و ناآلود بر سخنوای آنها ، دانش آموز را از ابتکار بدور داشته و نگار کیفری استعدادهاش را به دست فراموشی می سپارد .

بعلاوه عدم ارتباط مسائل اجتماعی با آموخته های دبیرستانی اش سرید بر علت ، او را ناراحت می سازد . چه او در می باید که مدیریت کلی سازمان آموزش و پرورش اجتماعش در این مورد چاره ای نسا نداشته و امر برنامه ریزی را در مسیر هدف رفع کننده نیازهای اجساعی و بشری به حال او سوق نداده است . در اینجاست که او به غفلت برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت جامعه اش پی برده و از بنیاد عظیم آموزش و پرورش رسمی کله آغاز می کند . چون حد با که او را پس از تحصیلات دبیرستانی نوان و بارای ادامه تحصیل نماندو اجتناع بر امکانات حدت و با مبار به همسد ، فارغ التحصیلان ندانسد باشد . از طرفی مانعیر

زندگی روزمره از نظر پیشرفت بهداشت و وسایل معیشت ، که تغییرات نحوه زندگی انسانها را فراهم نموده است ، در روحیه دانش آموزان خصوصاً ، دانش آموز دبیرستانی بی تاثر نیست . بوجوان رودر به مرحله بلوغ می رسد . رودر استقلال را احساس می کند . سرعبر به زندگی بزرگسالان تمایل بیدامی کند .

نیایلات حسی نیز در سرلوجه خواستههایش قرار می گیرد . عوامل باد شده به انضمام نکرانیهایی چون ، بعداز اخذ مدرک پایان دوره ، سوسطچه خواهد کرد؟ آیا امکانات ادامه تحصیل در آموزش عالی برایش موجود خواهد بود؟ چه رشته ای دنبال کند تا زندگی آینده اش را تضمین نماید؟ و یا او را امکان ادامه تحصیل بهیچ وجه فراهم نخواهد بود پس راه سرباری در پیش خواهد گرفت وبعد ...

دانش آموز دبیرستانی دوست دارد به نیبایی شکل خود را حل کند . مگر فردبعندی پیدا کند و مشکل خود را با او در میان بگذارد . با ناظمین و کمک ناظمین مدرسه روبرو می شود ، که فقط اعمال تدریس می کنند تا به اصطلاح نظم را که در نظر اغلب آنها حاکمیت سکوت سخانی است در محیط مدرسه ایجاد کنند . چه سا که این گروه غافل از بارهای بوجوانان فاند بچربند که مدیریت را کمک می نمایند! دسبران نیز از طرفی سعی در حفظ نظم کلاس و نگهداری شخصیت خود دارند .

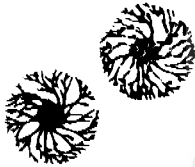
عالماً " کرانیهایی عقیدنی (سیاسی ، مذهبی و ...) آنها را به جهتی مخالف گروهی در کلاس سوق داده و در این میان وظیفه روستگری و ارشاد بد کنار می رود . در اینجاست



لطفاً ورق برینید



از برنامه ریزان متخصص ، با تحریر ، سفید و آکاد به امر تعلیم و تربیت و نیازهای سنی محفل انسانی در خارج از آموزشگاه برخوردار باشد . با دریافت گردانیدن نیروی مادی و معنوی دستگام عظیم آموزش و پرورش قدسی بسرا بردارد . بدین جهت یادآور می شود که مدیریت تعلیم و تربیت ، درحقیقت برداختیا و دریافتیا و تنظیم برنامه های سلسله مراتب اداری خلاصه می گردد . بلکه نخبه ایست دستگام . چه مادا "وحد معنا" . بدستور سبب گردانیدن آن مادد شکل بدیری است که به نام دانش آموز نامیده می شود . دانش آموزی که بدملکان مخصوص در آموزش رشته مورد تدریس آکاد از اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و سوس به کار شریف معلمی . بدبرای آکاد از تعلیم و تربیت و علوم انسانی ، بالآخر برنامه ریزی تربیتی و رای تجارب کافی در این امر نیاز دارد .



که دبیر نبر خود را رئیس قلمداد کرده و ارساط معنوی معلم و دانش آموزاربین می رود . و معلم در نقش یک بوروکرات واقعی محلی می کند . غافل از اینکه در کلاس درس معلم را وظیفه ای به غیر از انتقال دانسنینها و تدریس سخنوای برنامه نیز هست ، و آن فرصت دادن به دانش آموز است . بنحوی که معلم به کفدهای دانش آموزکوش دهد و بعد شاگرد را به کوش دادن به کفنه هایش وادارد تا بدس وسیله دانش آموز ، نتیجه صحیح کفنه و شنوده های کلاسی را آموخته و آنها را بکار گیرد . خاکست چنین حوی در محیط مدرسه می تواند حسب اجرای برنامه را در ارساط با برآورد هدف تضمین کند .

باوجود برآخذ که گذشت ، می توان گفت که اسغان نظر در سکوتایی استعدادهای دانش آموز دستتایی و دقت نظر در نیازهای فرهنگسای اجدهایی ، حسسانی و دانش آسور دبیرستانی نمی تواند صرفا "معلموت به محدودده آموزشگام باشد . بلکه در اس سورد لازم است بدبریت کلی سازمان آموزش و پرورش

صایعات راشی تبسم را به هیچوجه اصلاح نمی نماید .

نقد از صفحه ۵۱

(و خصوصا " اسعه فوق بفتش) باید بوجد نمود تا نیا " بدترین داروی راشی تبسم سف و سفید را روغن ماهی یافتند که از سالیان بس در امر تجربه برشکان از سودمندترین دواها بتحصیر داده شده بود . هسبکه بغدای حیوان روغن - ماهی افروودند کلسم داخل سوچ استخوانها گردید . ولی غحبت اینکه تربیق روغن ماهی

اولین علامت راشی تبسم

این است که استخوانهای سر دیر

به هم جوش می خورند.

۳



سرمی زند به اجراء آید .

- ۷ - هنگام تنبیه باید آرامش حفظ شود . دانش آموز نباید وسیله تخلیه هیجانی معلم باشد .
- ۸ - تنبیه باید با حداکثر شدت قابل تحمل اجرا شود . تنبیّهات ضعیف و ملایم بدون اثر خواهند بود .

غلامحسین ریاحی

دانش آموزی را بخاطر عمل ناشایستی تنبیه کنیم بوجه سائیرین را به رفتاری جلب خواهیم کرد که شاید تا آن وقت نمی - دانسته اند و این آگاهی ممکن است آنان را وادار به همان رفتار نماید .

۶ - اگر از تنبیه منظور کاهش رفتارهای نامناسب باشد باید هر زمان که عمل خلاف از دانش آموز

۱ - تنبیه باید مناسب با عمل خلاف دانش آموز باشد .

۲ - تنبیه نباید جنبه انتقام جوئی و کینه نوزی به خود بگیرد .

۳ - تنبیه باید فوری و بلا - درنگ بعد از انجام عمل خلاف صورت بگیرد . دانش آموزان خردسال در زمان حال زندگی می کنند .

۴ - تنبیه بدون اطلاع قبلی نباید صورت بگیرد . دانش آموز را باید نخست متوجه کردار نامربوط کرد .

۵ - تنبیه باید دور از انظار سائیرین صورت گیرد . بنا به دلائل زیر :

الف - کسانی که شاهد تنبیه دیگران بوده اند بارها شده که خود اقدام به تنبیه دیگران کرده اند .

ب - دانش آموزی که در حضور همکلاسان خود تنبیه شود ممکن است وسیله تمسخر دیگران قرار گیرد و این مسئله باعث برهم - خوردن تعادل روانی او شود .

ج - اگر در حضور جمیع

توجه فرمائید

شماره تلفن جدید دفتر مجله پیوند : ۴۱۵۴۲۷۳

روانشناس پانخ می‌دهد



آقای محمدی آموزگار - تهران

کلاس درست چپ بشانید تا او اینک نوشتن بادت چپ را دانستد و موجب زحمت دیگر دانش آموزان نشود و او را در این امر راهنمایی کنید .

خانم صدیقه - م - راهدار

شما مادرید و میدانید کودکان در روزهای اول مدرسه مشکلات بسیاری دارند جدائی از خاندان و از شما ، دوری از اسباب بازی ها ، ترس های موهوم از مدرسه و از کلاس ، عدم آشنائی با کودکان جدید در مدرسه ، محیط خشک و منضبط مدرسه و کلاس ، تفرات مربوط به درس و سنتق و ... عواملی از این نسل باعث می شوند که ترس بر سر وجود کودک را تسرا بکسرد و در روزهای اول هفتد ، وگاهی در انام اسحاق کودک را دچار وحشت کند .

این وحشت که نه فوبیای مدرسه معروف است سبب احساس سردرد ، دل درد ، وحتی تبوع و استفراخ در اول صبح می شود ولی حدود ساعت ۹ و ۱۰ که بچه مطمئن می شود امروزه مدرسه نخواهد رفت حالتش خوب می شود . برای این امر ناراحت نباشد و بدریجا" با مدرسه انس می گیرد ، او را تشویق کنید ، دلداری و حراستش دهید ، از مزایای مدرسه و درس و معلم حرف بزنید . خودتان بپیمایش بروید در بین راه مدرسه او را دل گرمی دهید ، به معلم او سفارش کنید که با او گرم بگیرد ، تشویقش کند و با او رابطه انس و الفتی برقرار کند و ...

آقای م - د - تهران

کودکان از حدود سن سه تا بعد بدریجا" شخصیت خود را می یابند ، با جهانی وسیع

در مورد چپ دینی کودکان باید عرض کنیم مسأله ای نیست که برای آن جای نگرانی باشد ساخت وجودی و معزی برخی از انسانها چنان است که دست چپ شان قوی تر و ورزیده تر می تواند کار کند .

افرادی که دست راست باسد اندک نیستند و حتی در بین آنها خطاطان بزرگ ، نقاشان ماهر و افراد زبده دیگری پیدا شدند و در عرصه علم و هنر درخشیدند . از این امر نگران نباشید و اصرار به راست دست گردانیدن کودکان نداشته باشید که در مواردی این امر خطر آفرین است وحتی ممکن است رمبند را برای لکت زبان و با ناراحتی عضبی و یا اختلالی در رفتار را فراهم آورد .

اگر خواستید به چنین کودکی کمک کنید موجبات کار و تلاش او را در مدرسه بکوهد ای فراهم کنید که با دست چپ بتواند کار کند . این سخن از آن بابت است که در مدرسه و کلا" در اجتماع همه شرایط کاری برای افراد راست دست فراهم آمده اند . او را در سمکت سه نفره

و ترانس از زبان مادر و حامد و حیات و افسانه
اسانه می‌سویند. سعی می‌کنند از اسرار بدنه‌ها
سودر آورند. بدین خاطر دائماً از سئاسواول
و بررسی خواهند داشت.

سئوالات بنیادت سن از حدود بدنا در حقی
سن سالکی در میورد جدا. آفرینس بدسند
حلتب و آفرینس خود. اسنا دور بر نمانده
اسنا و امور. حسبت خود از اس نسل است.
در پاسخ بد سئوالات سان لارم استصرو
حوصله داشتند ناسند. بد آتیا حوت کسوی
نرادهید. ناسحباتی بان حر در میورد اسناسی
که بد سوا حلاق و احزاب سیکن است سحر
سود ناند روشی. مریخ. نابل نیم و بد دور
از هر کوبد دروغ و ایام و حرانات ناسد. در
صن سراط عتلی و سی او را هم در نظر
کیرید. او یک داسحوسبت. یک کودک است
لارم بسبت که در رسند خدا و با احسانا سائل
سربوط بد بدناس و راد و ولد. ناسرح و سسخط
حوت برسد. گاهی سن از مخصر بوسحجی بد
او بکونید بند اس سائله را بی کداریم برای
رورهانی که اسنا اللدربرک بر خواهی سد.

خاتم حسبی - اصحابان

اداد را آوردن و دلنگ نازی نریدمان رسندماو
علل کویاکون بی بواند داسند ناسد. سیمرس
آن ساند اس احساس ناسد که او در سان جمع
بدرنید بسبت و سنا بوجدو سحت لارم را در
نارده او معبول بداسند اند.
سبکن است سنا در سان جمع در سان سز کرده
نکوروبجند. سحت و اشیار سبیرد او را بحساب
سبی آوردند. او ناگور برای حلب بوجد سنا سن
بد رنباری دهد که بورد سسد سنا ناسند.
السد نازسانی در برسد. بغاصران نا سبنا

بذل های بد امور. بناسای برحی ر سحتد های
ناصواب در اس رسند بو برسد.

اما سبدهای اصلاح او سبناز اس اسب که
بد او سبناز اصلاحی بندهند. از ادب راحلاق
سحت کنند. او را در سان جمع بحساب آورند
بد او سحت کنند. عمور و سخصب او را رسند
نمید ما خود را فردی سیم بحساب ورا. ودر
بواردی هم سبت بد ادا و اخلاوس بی اغنا
ناسد و سحتید ما او در ناند که سحرکی او
حا سبناده است و از سبل خود سوسندده سود.

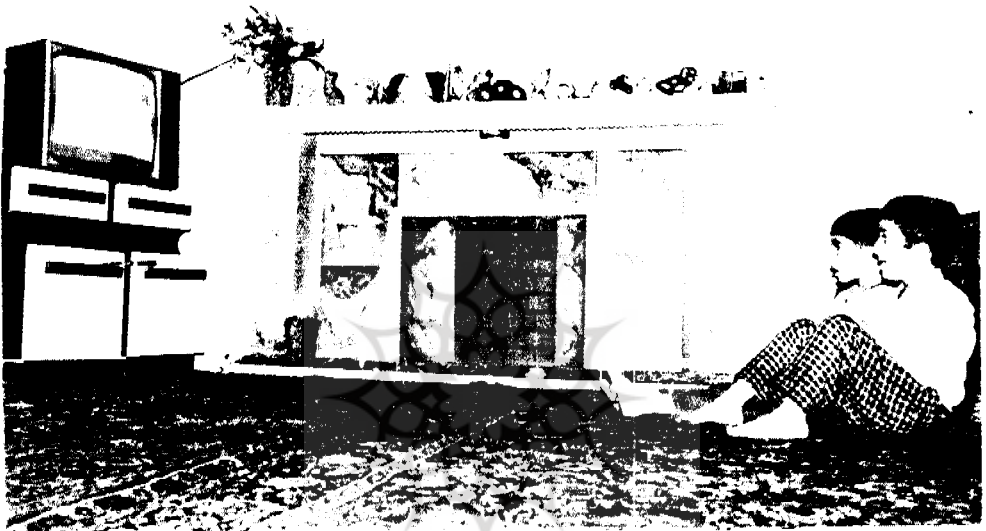
حامد - سن - نیران

نجاور و بعدی کودکان بحقوق دیگران گاهی
ناسی از سوب برسد و بار سزورکی اوسب. سان
سن دهد که او را در حامد رناید از حوت راسی بار
آیزردند. رناید بد او آزادی ددناسد. او را
سنس او آنجد که در حور اوسب بررک و سیم معرفی
کودداند. در سجد او برای خود اس حسو را
نابل است کدیده مال هرکس دست درازی کند و
نا اسباب نازی را از دستمان برناید.

در سرباط موحود سدر دادن و آکاد کردن ند
اول سنا است. که در باند حق بعدی بد حقوق
دیگران را ندارد. در ند مهای بعدی ناند او را
وادارند کد سبی کرید سده را ناسب خود بد
کودک دیکری که مخلوم و بحقوق او نجاور سده
سن دهد و حتی از او سدر خواهی کند. گاهی
بی بواند دست او را که محکم سسبی جسبده
نکیرید و سنار دهند ما ناز کند و بد صاحبس
بحول دهد. هم حیان تغلا ضروری است
برای بدی او را بر بر ناسد ناسد ناسد
نجاور بدوی اسنا و اسنا دیگران دراریکید.



تلویزیون و کودکان



اثرات تلویزیون

مکانیسم کزیر استفاده کند تلویزیون اثر شدیدتری روی او خواهد داشت. چون بسیاری از برنامه هایی که کودک می بیند خاص کودکان نیست، همیشه بدرستی آنچه را که می بیند نمی فهمد. فهم بخشی از برنامه و تحریف معنی یک برنامه برای کودک. مضرتر از نفهمیدن آن بطور کامل است. این نکته هنوز روشن نیست که آیا مضرات جسمی است یا روانی که در کودک وجود دارد. مثلا " کودکی که قدرت دید ضعیف دارد و عینک می زند ممکن است نتواند در برخی از بازیهای همسالانش شرکت کند و یا والدینش از ترس شکستن عینک او به وی اجازه بازی ندهند. در چنین شرایطی

اثرات تلویزیون روی کودک مانند سینما تا حد زیادی بستگی باین دارد که کودک چه مقدار از برنامه ها را به خاطر می سپرد، تا چه حد می فهمد و آیا با قهرمانان تلویزیون همانند سازی می کند یا خیر. اگر او با یک شخصیت خوشایند همانندسازی کند که تجسم ضابطه های غیر قابل قبول اخلاقی است و یا بیش از حد برخاشکر است، همانند سازی برایش مضر خواهد بود. وقتی در زندگی روزمره نیازهای کودک برآورده نشود و او از تلویزیون به عنوان یک

کودکان و کودک سالم کمتر از کودک ناسالم از تلویزیون اثرات ناخوشایند می پذیرد.

مهمترین اثرات تلویزیون

۱ - اثرات جسمی : مخالفان تلویزیون ادعا می کنند این وسیله در برنامه منظم خوردن و خوابیدن کودک ایجاد اختلال می کند. کودک ممکن است برنامه غذا خوردن خود را به خاطر تماشای تلویزیون به تعویق بیاورد و یا حتی تماشای آن غذا بخورد که نتیجه آن نجویدن غذا بقدر کافی است. علاوه بر این غذای حاضری خوردن حین تماشای تلویزیون که میان خیلی از مردم بخصوص کودکان رایج است اشتها را از بین می برد و یک رژیم غذایی را به کودک تحمیل می کند که در آن نشاسته و شیرینی زیاده از حد کنجاند شده است. بسیاری از کودکان جاق مشتری دائمی تلویزیون هستند زیرا قادر نیستند در بازپهای همسالانشان شرکت کنند. حاضری خوردن ضمن تماشای تلویزیون فقط مشکلات را زیاده تر می کند. اختلال در خواب کودک توسط تلویزیون مهمتر از اختلال در غذا خوردن اوست. کودکانی که بیش از حد برای تماشای تلویزیون بیدار می مانند از خواب بسیار کمی برخوردار می شوند.

کودکان خردسال اغلب رؤیا یا کابوسهایی درباره برنامه هایی که دیده اند بخواب می بیند. تماشای زیاد تلویزیون ممکن است کودک را عصبی کند بخصوص اگر برنامه های وحشتناک را ببیند.

۲ - اثرات روی سایر انواع بازیها : تلویزیون همشده وقتی را اشغال می کند که باید

کودک، ممکن است به تلویزیون به عنوان جانشینی برای بازی روی آورد. اینکه تلویزیون تا چه حد روی قدرت بینایی ضعیف او اثر خواهد گذاشت سئوالی است که پزشکان هنوز نتوانسته اند به آن پاسخی بدهند. به همین ترتیب کودکی که فاقد پذیرش اجتماعی است یک تماشاگر دائمی تلویزیون می شود. هر سالی که می گذرد او بیشتر از اجتماع کناره می گیرد و قدرت انطباق اجتماعی او ضعیف تر می شود زیرا از آموختن تجربه هایی که همسالانش دارند محروم است. در نتیجه ظاهراً " به نظر می رسد در اثر تماشای زیاد تلویزیون از نظر روانی به وی لطمه خورده است. چنین استنباطی غلط است. اگر چه شکی نیست که تماشای زیاد تلویزیون ممکن است اثری در انطباق اجتماعی کودک داشته باشد ولی این حقیقت که کودک نیز از فرصت هایی برای یادگیری محروم بوده است نباید نادیده گرفته شود. اینکه کدامیک از این دو مهمتر است هنوز مورد سئوال است.

اثرات ویژه

اثرات فراوانی که تماشای تلویزیون روی کودک دارد ارزش یک تجزیه و تحلیل انتقادی را دارد. تا زمانیکه اطلاعات بیشتری بدست نیاید تعیین اینکه آیا تلویزیون برای کودک بیشتر مضر است یا مفید و اثرات آن دائمی است یا موقتی غیر ممکن است.

بازمانی که نسل حاضر کودکان تماشاگر تلویزیون به میان سالی نرسد، تعیین اثرات دراز مدت آن کاری غیر ممکن خواهد بود. در یک نکته همگان توافق دارند، کودکی که انطباق درست اجتماعی و شخصی دارد کمتر از سایر

دانش آموزان وقت خود را بیشتر صرف تماشای تلویزیون می‌کنند تا انجام تکالیف مدرسه‌شان. این امر بدون شک اثراتی روی کودک دارد حتی اگر وقتی که صرف تماشای تلویزیون می‌شود صرف انجام تکالیف مدرسه نشود جنبهٔ ممتنع مسئله این است که برنامه‌های تلویزیونی موضوع را آنقدر هیجان انگیز و زنده عرضه می‌کند که رقابت با آن برای کتابهای درسی غیر ممکن است. بسیاری از کودکان تماشاگر دائمی تلویزیون آنچنان باین هیجان معتاد می‌شوند که درسها و کتابهای مدرسه را بسیار کسل کننده می‌یابند.

صرف سایر فعالیتها شود، بخصوص بازی در خارج از منزل با سایر بچه‌ها، در نتیجه کودک از ورزش سلامتی بخش و رهایی روانی که بازی خارج از منزل باومی بخشد محروم می‌شود. علاوه براین او از آموختن تجارب سودمندی که برای تطابق اجتماعی او مفید است محروم می‌شود. تماشای زیاد تلویزیون منجر به یک برنامهٔ بازی نامتعادل می‌گردد و وقت کمی برای بازی سازنده، سینما رفتن و کوش دادن به‌رادیو باقی می‌ماند. وقتی تلویزیون به فعالیتهای کودک اضافه می‌شود معمولاً "کمتر کتاب می‌خواند، حتی کتابهای داستان مصور. مجله و



معلمین اغلب بدانجام دادن تکالیف مدرسه توسط شاگردان را تقصیر تلویزیون می‌شمارند. نظر خود معلمین نیز اغلب بستگی به این دارد که خودشان تلویزیون دارند یا خیر آنهاییکه تلویزیون ندارند اغلب در مقابل آن شکیبایی کمتری دارند.

روزنامه خواندن کودک کمتر لطمه می‌خورد زیرا قسمتهای مصور و کمدی نیز دارند. ولی در عین حال تماشای تلویزیون اغلب باب علائق جدیدی را بروی کودک می‌کشد و او را تشویق می‌کند برای افزایش دانسته‌های خود بیشتر بخواند.

۴ - اثرات روی فعالیتهای خانوادگی: در

۳ - اثرات روی تکالیف مدرسه: بسیاری از

۶ - اثرات روی اعتقادات: بسیاری از کودکان معتقدند هر چیزی که در تلویزیون گفته می شود درست است و اجرا کننده برنامه تلویزیونی در هر موردی بیشتر از والدین معلمان و پزشکان می دانند. اگر این نظر برای کودک دائمی شود تأثیر فراوانی بر کسب عادات کودک دنی رشد خواهد داشت درست همانطور که برالگوی رفتاری او طی دوران کودکی اثر خواهد گذاشت. علاوه بر این کودک نوعی تعمیم ساده لوحانه در این مورد می دهد، مثلاً " بسیاری از کودکان ما در خود را وادار می کنند یک غذای غله ای خاص را بخورد زیرا معتقد است خوردن آن باعث می شود او تبدیل به شخصی بشود که می خواهد باشد. کودک روی خوردن نوعی غذای خاص بدون توجه به ارزش غذایی آن اصرار می کند زیرا تبلیغات مربوط به آن غذا در تلویزیون برایش منافع دهنده بوده است .

خلاصه اثرات مضر تلویزیون

این خلاصه کوتاه اثرات مفید و مضر تلویزیون نشان می دهد که تلویزیون در تکامل کودک بیشتر از سایر انواع فعالیتها و بازیها اثر دارد. این نکته روشن است که در تماشای تلویزیون بیش از سایر بازیها احتیاج به کنترل و راهنمایی دارد. از آنجا که موضوع و تصاویر بسیاری از کتابهای صورت داستان به حال کودک مضر است، والدین و معلمان سعی می کنند آن را از دسترس کودکان دور نگاه دارند. علاوه بر این فشار اجتماعی در بسیاری از جوامع بازرگانان را وادار کرده

لطفاً ورق بزنید

خانواده تماشای تلویزیون نزدیکی جسمانی بیشتری بوجود می آورد ولی ارتباط اجتماعی را محدود می کند. تلویزیون خانواده را از خواندن، صحبت کردن و بازی کردن باز می دارد. از طرف دیگر علائق خانوادگی جدیدی بوجود می آورد و حلقه دوستان خانوادگی را وسیعتر می کند. افراد بیشتری به خانه می آیند ولی در عوض فعالیتها و تفریحات خارج از خانه کمتر می شود. بدون شک جدی ترین و ناخوشا بیندترین اثر تلویزیون بر زندگی خانوادگی آن است که بسیاری از والدین به جای برقراری نظم و دیسیپلین، از تلویزیون به عنوان یک " آرام کننده " برای کودکانشان استفاده می کنند.

۵ - اثرات روی عقاید و نطفه نظرها: آنچه که کودک روی صفحه تلویزیون می بیند آنقدر واقعی است که نقطه نظرانی که بعد از دیدن یک برنامه تلویزیونی در کودک شکل می گیرد احتمال دارد به زندگی او منتقل شود. در مطالعه‌های که در مورد اثرات تلویزیون روی مفاهیم و نظرات کودکان شد این نکته روشن شد که کودکان تمایل دارند باور کنند که کلانترها نادرست هستند، با جنایتکاران بد رفتار می شود، درست است که باید جنایتکاران را " سرکوب کرد "، پلیس باید برای دستگیر کردن جنایت کاران نادرست باشد و جنایتکاران باهوش هستند. تماشای مداوم جنایت، وحشت و بیرحمی عاقبت روی حساسیت کودک اثر می‌گذارد و وی رفتار ضد اجتماعی و مخرب را تقریباً " عادی تلقی می‌کند. علاوه بر این نمایش مداوم جنایت و خشونت بر حساسیت کودک نسبت به رنجهای بشر لطمه می زند.



است که این نوع کتابها را از قفسه های مغاره ها جمع کنند .

بسیاری از والدین در مورد تلویزیون نگرانی و توجه کمتری نشان می دهند تا کتابهای داستان . در واقع بسیاری از والدین کودکان را تشویق به تماشای تلویزیون می کنند . هنگامی که کودک خسته است تلویزیون نوعی مهد کودک خانگی است . علاوه بر این والدین در انتخاب برنامه های تلویزیونی به کودک آزادی بیشتری می دهند تا انتخاب کتاب داستان و فیلم سینما .

برای اجتناب از بسیاری از اثرات مضر تلویزیون پیشنهادی ارائه شده است : " از آنجا که کودک آن چیزی را می بیند که اجازه دیدنش به وی داده شده است و به آن چیزی کوش می - دهد که اجازه کوش کردنش را دارد ، والدین باید نسبت به خود و فرزندانشان سخت گیر باشند و نیز با قیمت تلویزیون ، اگر به نوجوان اجازه داده شد ، مدارا پیشیند و یک سری قتل و جنایت را روی برده تلویزیون تماشا کند ، در نهایت خود وی و والدینش رنج خواهند برد و لطمه خواهند دید . " این گفته البته بدان معنا نیست که کودک باید از لذت تماشای تلویزیون محروم شود بلکه به آن معنا است که اگر کودک باید مفاهیمی از خود ، سایر

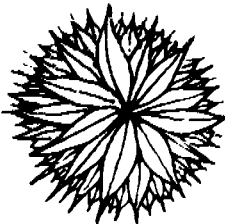
مردم و زندگی بطور کلی بدست آورد و اگر باید اصول اخلاقی مورد قبول جامعه را فرا گیرد هدایت و راهنمایی وی فوق العاده مهم است . متذکر این است که حتی فکر تلویزیون به وجود آید پلانو بر اهمیت راهنمایی در آنچه که کودک می شنود تأکید کرد و گفت : آیاما باید بدون توجه اجازه بدهیم کودک هر داستانی را از هر کسی بشنود و وقتی بزرگ شد مفاهیمی درست عکس آنچه که ما انتظار داریم در ذهن او به وجود آید ؟

مشارکتی و بدو همکار مربیان مدرسه شهرت

که اگر نقلی از کودک دیدیم یا تذکر و پند سعی کنیم او را واداریم که دست از کار و رفتار خود بردارد. دریابد که خوشبختی و سعادت او درگرو کار و تلاش شرافتمندانه است نه تقلب و خیانت . راه سعادت‌مندی درآبرومندی است نه نیرنگ و دو روئی .

۹ - مراقبت و تحکم : درصورتی که شیوه‌های فوق مؤثر واقع نشود ضروری است چنین‌کودکی را مورد شناسائی قرار داده و علی‌المدام مراقب کار او و راه و روش او باشیم و اصل را بر این استوار سازیم که تن به تقلب و خیانت ندهد. حتی سعی کنیم مراقبان امتحان را در کنار او قرار دهیم تا دریابد که به علت خیانت دیگران هوای او را دارند و نمی گذارند که سر از خیانت درآورد. در مواردی حتی می توان به تفتیش او پرداخت تا دریابد که خیانت و تقلب سبب چنین ایذاء و آزاری شده و ناکزیر شود که تن به رفتاری شرافتمندانه دهد.

۱۰ - تنبیه اخلاقی : و بالاخره بهنکامی که اعمال همه این روشها سودمند نیفتاده‌می - توان از شیوه تنبیه اخلاقی سود جست و بصورت محروم کردن ، دور داشتن او از امتحان ، اخراج او از جلسه درس و کلاس و مدرسه پرداخت تا ناکزیرشود برای مراحل دیگر زندگی دست از کار بردارد .



دو کلاس را طی می کنند .

۵ - تقویت دروس : کودکی که منقلب است از یک نظر کودکی وامانده و عقب مانده از درس است . اگر درس خود را با راحتی بفهمد و به پیش رود دیگر نیازی نخواهد داشت که تن به تقلب دهد .

بدین نظر یکی از راههای غیر مستقیم اصلاح تقلب کودکان این است که درسی مورد تقویت قرار گیرد تا محتاج تقلب نگردد . معلم در این رابطه می تواند روش تدریس خود را نیز اصلاح نماید .

۶ - تفهیم راه شرافتمندانه : می توان به کودک تفهیم کرد که اگر فرصتی را که صرف تقلب می کند صرف مطالعه و درس و بحث نماید و بتواند آن را در خود تقویت نماید نیازی به تقلب نخواهد داشت . او بخواهد که شایه روزی یکساعت بیشتر و از روی دقت کار کند وهم زمینه ای فراهم کنید که بتواند نتیجه و حاصل تلاش خود را دریابد . بنظر ما اعمال این روش در اصلاح کودک بسیار مؤثر خواهد افتاد .

۷ - تربیت شعلی : در مواردی که کودک از لحاظ ذهنی در وضع و موقعیتی نیست که به پیش رود و فشارها و راهنماییها در این رابطه مؤثر نباشد و او هم چنان تن به تقلب دهد ضروری است پدر و مادر دست از اصرار خود برای موفقیت‌های مکرر او از تحصیل بردارند و او را به سوی شغل و حرفه ای سوق دهند . البته مصلحت این است که حداقل تحصیلات لازم را بدست آورد و به کاری سرگرم گردد .

۸ - تذکر و پند : در عین حال ضروری است